

آفرین جان آفرین پاک را



کلیات منطق الطیر به نثر



به کوشش

رحیمه گرجیان



نشر جمهوری

تهران، جمهوری ۱۳۹۰

سرشناسیه	: گرجیان، رحیمه، ۱۳۵۴ -
عنوان قراردادی	: منطق الطیر، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: کلیات منطق الطیر عطار به نثر/مؤلف رحیمه گرجیان
مسئخصات نشر	: بهران: جمهوری، ۱۳۹۰.
مسئخصات طاهری	: ۳۵۲ ص.
شابک	: 978-600-5687-28-6
وصفیت فهرست نویسی	: فبا
یادداشت	: کتاب حاضر افسانسی از "منطق الطیر" تألیف محمد بن ابراهیم عطار است.
موضوع	: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۲۷ - ۶۲۷. منطق الطیر -- اقتباس‌ها
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
سباسبه افروده	: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۲۷ - ۶۲۷. منطق الطیر
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۸۱۳۷۲/۳۷۲ PIRA۱۹۲
رده بندی دیویی	: ۸۱۳/۶۲
سمااره کتباسبی ملی	: ۲۲۵۷۵۹۲



جمهوری

کلیات منطق الطیر به نثر

عطار نیشابوری

رحیمه گرجیان

جمهوری ۱۴۰۲	چاپ سوم
نشر جمهوری	برابر و تولید
محمد مهدی اسدی	ناظر چاپ
ترنج رایانه	لیتو گرافیک
مطبوعه	چاپ
۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۷-۲۸-۶	شابک
۱۱۰۰ نسخه •	

حق چاپ محفوظ است

مراکز پخش و فروش

فروشگاه شماره ۱: خیابان جمهوری، روبروی خیابان باغ سپه سالار، شماره ۲۴۰
تلفن ۳۳۹۳۰۳۹۰ فکس ۳۳۱۱۶۰۳۳

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خ شهدای ژاندارمری غربی، شماره ۸۸
تلفن ۶۶۴۱۰۸۱۴ فکس ۶۶۴۸۵۱۱۲

jomhoori publication.com

فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۳	 شرح حال عطار
۲۶	 فی التوحید باری تعالی جل و علا
۲۶	 در نعت رسول محمد مصطفی (ص)
۲۷	 فی فضیلت امیر المومنین علی (ع) رضی الله عنه
۲۸	 آغاز داستان
۲۸	 مجمع مرغان
۳۰	 حکایت سیمرغ
۳۱	 حکایت بلبل
۳۲	 حکایت درویشی که عاشق دختر پادشاه شد
۳۴	 حکایت طوطی
۳۵	 حکایت گفتگوی خضر با دیوانه
۳۶	 حکایت طاووس
۳۷	 حکایت قصه رانده شدن آدم از بهشت
۳۷	 حکایت بط
۳۸	 حکایت عقیده دیوانه‌ای در باره دو عالم
۳۸	 حکایت کبک
۳۹	 حکایت سلیمان و نگین انگشتری او
۴۱	 حکایت همای
۴۲	 حکایت احوال سلطان محمود در آن جهان
۴۳	 حکایت باز
۴۴	 حکایت پادشاهی که سیب بر سر غلام خود می گذاشت و آن را نشانه می گرفت
۴۵	 حکایت بوتیمار
۴۶	 حکایت گفتگوی مرد دیده ور با دریا
۴۷	 حکایت کوف (بوف)
۴۸	 حکایت مردی که پس از مرگ حقه‌ای زر از او برجای مانده بود
۴۸	 حکایت صعوه (گنجشک)
۴۹	 حکایت یعقوب و فراق یوسف
۵۰	 پرسش مرغان
۵۲	 حکایت پادشاهی که صاحب جمال بود

- ۵۳ حکایت اسکندر که خود به رسولی می‌رفت
- ۵۴ حکایت محمود و ایاز
- ۵۵ جواب هدهد
- ۵۷ حکایت شیخ سمعان (صنعان)
- ۵۹ عزم راه کردن مرغان
- ۶۰ حکایت تحیر بایزید
- ۶۱ عذر آوردن مرغان
- ۶۳ حکایت مسعود و کودک ماهیگیر
- ۶۵ حکایت خونی که به بهشت رفت
- ۶۶ حکایت سلطان محمود و خارکن
- ۶۹ حکایت شیخ نوقانی
- ۷۱ حکایت دیوانه‌ای برهنه که جبه‌ای ژنده به او بخشیدند
- ۷۲ حکایت به کعبه رفتن رابعه
- ۷۴ حکایت دیوانه‌ای که از مگس و کیک (کک) در عذاب بود
- ۷۵ حکایت مرد بویه شکن
- ۷۷ حکایت مرد بت پوش که بت را خطاب می‌کرد و خدا، خطایش را لبیک گفت
- ۷۸ حکایت صوفی و انگبین فروش
- ۷۹ حکایت موسی و قارون
- ۸۰ حکایت زاهدی خودپسند که از مرده‌ای اجزاز جست
- ۸۱ حکایت گفتار عباسه در باره‌ی روز رستخیز
- ۸۳ حکایت گم شدن شبلی از بغداد
- ۸۴ حکایت خصومت دو مرقع پوش
- ۸۵ حکایت مفلسی که عاشق شاه مصر شد
- ۸۸ حکایت گورکن که عمر دراز یافت
- ۸۸ حکایت عباسه در باره نفس
- ۹۰ حکایت گفتگوی سالک ژنده پوش با پادشاه
- ۹۱ حکایت دو روباه که شکار خسرو شدند
- ۹۳ حکایت غافلی که از ابلیس گله داشت
- ۹۴ حکایت احوال مالک دینار
- ۹۶ حکایت پند دیوانه‌ای با خواجه‌ای ناسپاس
- ۹۷ حکایت گفتار مردی پاک دین
- ۱۰۰ حکایت نو مریدی که زر را از شیخ خود پنهان می‌داشت
- ۱۰۱ حکایت نکته‌ای که شیخ بصره از رابعه پرسید
- ۱۰۳ حکایت عابدی که پس از سالها عبادت به نوای مرغی دل خوش کرده بود
- ۱۰۵ حکایت شهریاری که قصری زرنگار کرد

مقدمه

پادشاهها در من مسکین نگر
 گر زمن بد دیدی آن شد این نگر
 خالقا گر نیک و گر بد کرده‌ام
 هرچه کردم با تن خود کرده‌ام
 عفو کن دون همتیهای مرا
 محو کن بی حرمتیهای مرا

تنوع و غنای ادبیات ایران بسیار زیاد است و هر کدام از اندیشمندان و شعرا و عرفای ایرانی به روش و سبک خاص خود آثار گرانبهایی را برای ما به میراث گذاشتند که امروزه خواندن اصل کتابها یا درک مفاهیم آن برای همگان مقدور نمی‌باشد چراکه بعضی از این متون سبک نگارش سنگین و قدیمی داشته و یا به زبان عربی نوشته شدند یا مانند این کتاب، مثنوی کنایه آمیز و رمزآلود عرفانی است که احتیاج به گشایش و روشن شدن مفاهیم آن به زبان ساده و رایج امروزی دارد تا بتوان از این گنجینه‌های ارزشمند ادبیات فارسی در راه رسیدن به دانش و آگاهی و حقیقت و کمال استفاده نمود مخصوصاً برای جوانان که نیروی بسیار قوی و

محرک جامعه به سمت آینده می‌باشند و ناگزیر از دانستن گذشته‌ی سرزمین مادری خود می‌باشند تا آگاهانه و هدفمند با فرهنگ‌های بیگانه برخورد کنند. لذا دانستن و فهمیدن مفاهیم این اثر یا بکارگیری آن در تربیت روح انسانی مستلزم درک و فهم آسان مطالب این کتاب می‌باشد. نگارنده این اثر برای اینکه جویندگان کمال و حقیقت را هرچه آسانتر در این راه همراهی کند تصمیم گرفت تا متن کامل کتاب منطق الطیر را مانند کلیات شاهنامه به نثر، به زبان بسیار ساده و قابل فهم برگرداند و آن را در اختیار همه‌ی علاقمندان به این آثار گرانبها و ارزشمند قرار دهد. مخاطبان این اثر عام بوده و همه به اندازه نیاز خود می‌توانند از آن بهره گیرند. مرجع این کتاب کلیات منطق الطیر عطار است که به کوشش جناب استاد ارجمند سید صادق گوهرین گرد آمده و تصحیح شده است و نگارنده از آن به عنوان منبع اصلی استفاده کرده و تمام ابیات آن را به روش خطی و به نثر بسیار ساده و روان فارسی برگردانده است و امیدوار می‌باشد که مورد توجه و عنایت خوانندگان عزیز قرار گیرد.

مولای متقیان علی (ع) می‌فرماید:

خدا را سپاس در حالی که نه از رحمت او نومیدم، نه از رحمتش بی بهره ام، نه از آمرزش او مأیوسم و نه از پرستش او

سر برتافته ام. خداوندی که رحمت او همواره برجاست و نعمتش را زوال نباشد و دنیا سرایی است که ناپایداری مقدر اوست. مردمش از آنجا رخت برخواهند بست هم شیرین گواراست هم سبز و خرم. خواستاران خود را زود می یابد هر که در او بنگرد دلش را می فریبد. پس هر توشه ی نیکو که میسر است برگیرید و قدم به راه سفر نهید. در دنیا بیش از آنچه شما را بسنده است نخواهید و بیش از آنچه به شما داده است طلب نکنید.

و حضرت عیسی روح اله می فرماید:

هرآنچه والا است، هرآنچه درست است، هرآنچه پاک است، هرآنچه دوست داشتنی و هرآنچه ستودنی است، بدان بیندیشید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش در آن تامل کنید.

شرح حال عطار

ابو حامد فریدالدین محمد بن ابی بکر ابراهیم عطار نیشابوری به سال ۵۴۰ در نیشابور از یک پدر و مادر مومن و زاهد پیشه به دنیا آمد. پدرش دارو فروش و مادرش زنی زاهد منش بود که به گفته خود او بیست و چند سال آخر عمرش را

فقط به عبادت و خلوت کردن با خدا گذرانده و دست از دنیا و زرق و برق آن کشیده بود.

چو سالی بیست هست، اکنون زیادت
که نه چادر، نه موزه داشت عادت
زدنیا فارغ و خلوت گزیده
گزیده گوشه و عزلت گزیده

وقتی عطار بزرگ شد حرفه‌ی پدر را پیشه خود ساخته و او
نیز دارو فروش شد

بدارو خانه پانصد شخصی بودند
که در هر روز نبضم می نمودند
عطار فردی خوش قریحه و نازک خیال و حساس بود. او
موضوعاتی را که در اطرافش می گذشت به خوبی می دید و آنها
را حس می کرد و در بعضی موارد آنها را به رشته‌ی شعر
می کشید تا جایی که دو اثر با ارزش خود یعنی مصیبت نامه و
الهی نامه را در حین کار کردن در دکان عطاری خود به
رشته‌ی نظم درآورد.

مصیبت نامه کاندوه جهانست
الهی نامه کاسرار عیانست
بداروخانه کردم هردو آغاز

چه گویم زو درستم، زین و آن باز